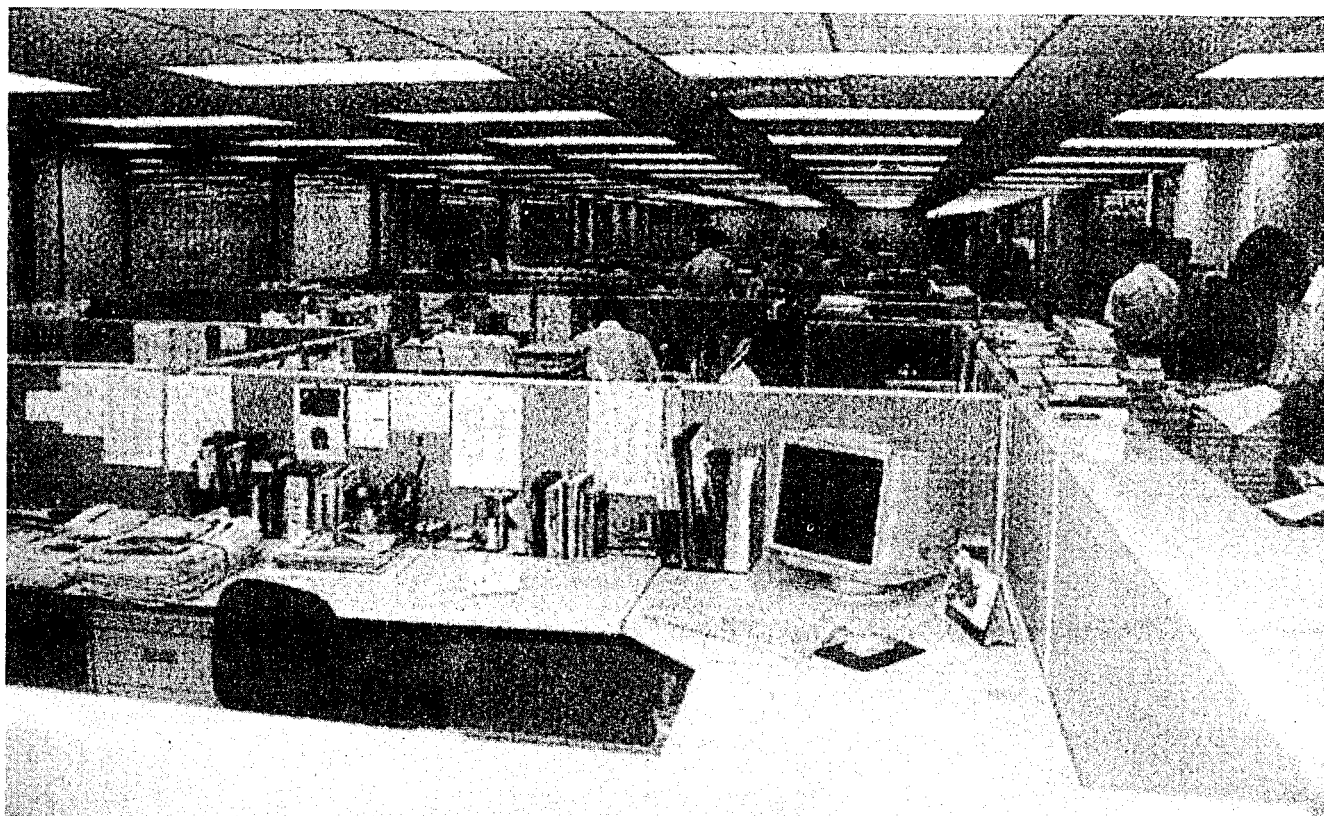


گزارش پنجمین گردهمایی دانشجویان نابینا



انعکاس در کتابشناسی ملی به کتابخانه ملی اطلاع داده شود.

در پایان، به این نکته اشاره کردند که در آزمون سراسری ۷۶-۷۵ در دوره کارشناسی بیش از ۶۵ دانشجوی نابینا پذیرفته شده‌اند و کتابداران باید فضای مناسبی را برای تحصیلات این عزیزان در دانشگاهها فراهم کنند.

خانم باسمة رضایی مدیر کتابخانه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی متذکر شدند که گوشش خواهند کرد تا محل مناسبی برای استقرار دانشجویان نابینای دانشکده فراهم کنند که هم برای ضبط و هم برای خواندن بتواند مورد استفاده قرار گیرد. ایشان هم‌چنین به این نکته اشاره کردند که ارتباط شبکه‌ای میان تمام مراکز

کردند که چنین وحدت فکری به حرکت منسجم‌تری در سطح خدمات اطلاع‌رسانی به دانشجویان نابینا منجر شود. ایشان سپس به نوشته‌های فارسی دهه ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ در زمینه اطلاع‌رسانی به نابینایان اشاره کردند و انتشار فهرست مشترک کتابهای گویا و فهرست کتابهای گویا در کتابشناسی ملی را گامهای بسیار مهمی شمردند و از کلیه دانشجویان نابینا خواستند از این آثار استفاده کنند و دست‌اندرکاران را به ادامه هر چه جامع‌تر کار تشویق کنند، و اظهار امیدواری کردند که کتابهای گویای مربوط به هر رشته در کتابخانه‌های دانشکده‌های مربوط جهت استفاده دانشجویان گردآوری شود و کتابهای جدید ضبط شده جهت

این جلسه در تاریخ ۲۲/۷/۷۵ به مناسبت روز عصای سفید با شرکت دانشجویان درس "خدمات ویژه" و تعداد ۲۶ نابینا و سایر علاقه‌مندان در تالار شهید دقایقی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران تشکیل شد. در این گزارش خلاصه‌ای از مباحث این جلسه حضور علاقه‌مندان ارائه می‌شود.

در آغاز جلسه خانم نوش‌آفرین انصاری ضمن خوشامد به دوستان پیشنهاد کردند که پنج اصل رانگانانان یعنی: "کتاب برای استفاده است، هر خواننده کتابی، هر کتابی خواننده‌ای، در وقت خواننده صرفه‌جویی کنید، و کتابخانه یک نهاد پویاست" از سوی کتابداران و دانشجویان نابینا مورد بررسی مشترک قرار گیرد و اظهار امیدواری



تولید کتابهای ویژه برای ارائه خدمات بهتر و پرهیز از دوباره‌کاری بسیار مهم است و اظهار امیدواری کردند که خود دانشجویان نابینا در این مورد کمک کنند.

خانم تاج‌الملوک ارجمند عضو هیأت علمی در معاونت پژوهشی کتابخانه ملی از امکان امانت بین‌المللی کتاب گویا سخن گفتند و اشاره کردند که بخش کتابهای گویای کتابخانه ملی کانادا در مورد امانت نوار به مدت سه ماه نظر بسیار مثبت داشته است و از دانشجویان خواستند که به عنوان یک تجربه موضوع‌های مورد علاقه خود را به ایشان اطلاع دهند، و تأکید کردند که چنانچه دانشجویان نابینای ایرانی تسلط خود را به زبان انگلیسی بالا ببرند دیر یا زود امکان استفاده از منابع از طریق امانت بین کتابخانه‌ای حل خواهد شد.

قبل از شروع قسمت پرسش و پاسخ، خانم انصاری از همکاران نابینا خواستند که خود را معرفی کنند که این کار انجام شد. سپس سؤالهای زیر مطرح و از سوی دوستان نابینا به آنها پاسخ

داده شد:

۱. دوستان نابینا منابع اطلاعاتی خود را چگونه به دست می‌آورند؟

آقای صابری: از سه طریق تبدیل به بریل، ضبط کاست و خواندن به وسیله دوستان، باید توجه داشت که ما بسیاری از مطالب کلاسها را خلاصه می‌کنیم و خطر دوباره‌کاری هم بسیار زیاد است.

۲. شنیده‌ام که دانشگاه الزهرا خدمات مطلوبی را به دانشجویان نابینا ارائه می‌دهد، آیا این اطلاع صحیح است؟

خانم جبلی: در اینجا لازم است با سپاس بسیار، از آقای شمس‌بد نام ببرم. در این پایگاه اطلاع‌رسانی نیاز به ضبط کتاب داشتم حدود ۵۰ نفر برای ضبط آن اسم نوشتند، و من از این طریق به بسیاری از اطلاعات مورد نیاز دست یافتم. تشکیل چنین مراکزی در همه کتابخانه‌ها می‌تواند بسیار مفید باشد.

خانم خسروی: اجازه بدهید اشاره کنم که این مرکز دیگر چندان فعال نیست و کتابهای آن

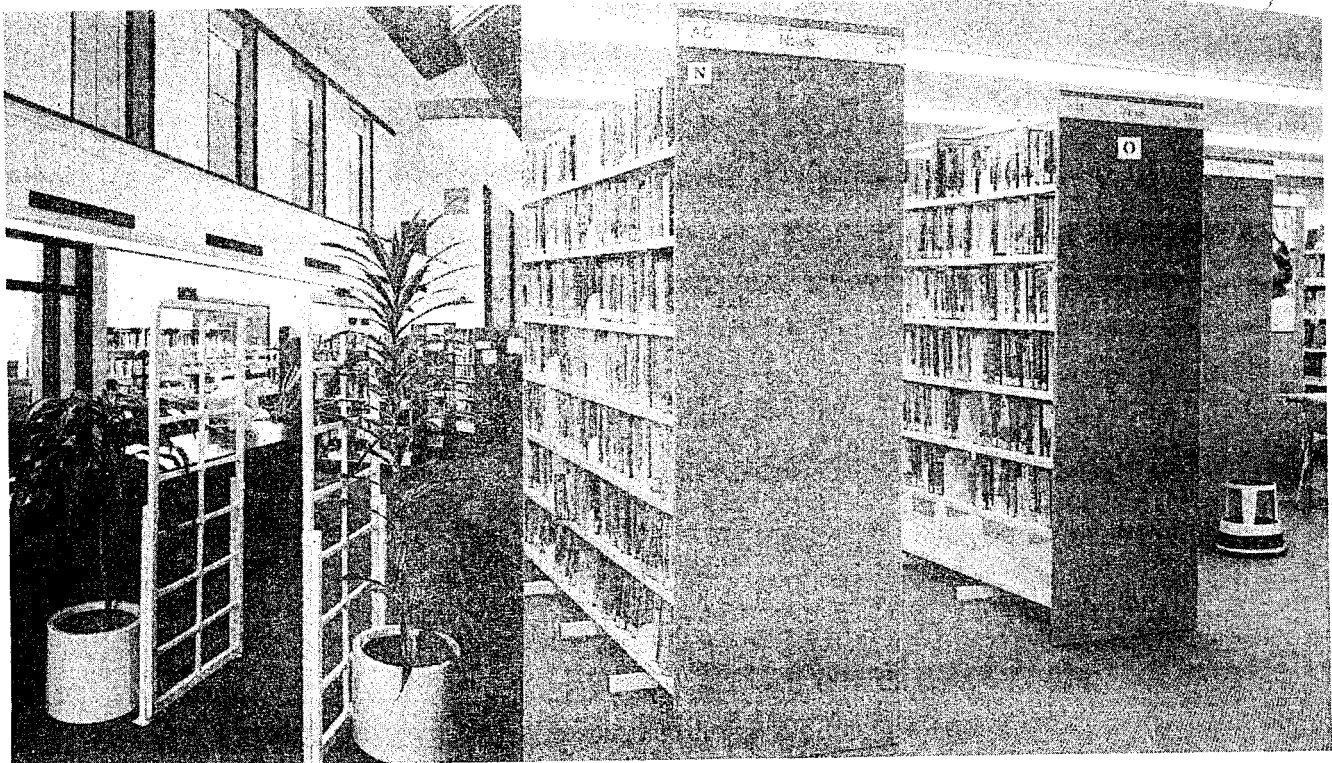
بیشتر محدود به منابع بریل ادبی است که برای من خیلی مفید نیست. در تشکیل این گونه مراکز باید به همه نیازها توجه شود.

۳. شما عزیزان نابینا از ما کتابداران چه توقعی دارید؟

آقای عباسی: شاید توقع ما فراتر از توان شما باشد. همه ما با کتابهای مرجع مشکل داریم. یکی اینکه این آثار را به ما امانت نمی‌دهند، دیگر اینکه تبدیل کتابهای مرجع به بریل یا گویا بسیار دشوار است، تا رسیدن کامپیوتر فکری بکنید تا رویمان بشود به شما مراجعه کنیم. کسانی را بیابید که با روی باز برای ما آنچه را که در کتابهای مرجع نیاز داریم بیابند و بخوانند.

۴. از دوستان نابینایی که تاکنون از کتابخانه‌های دانشکده‌های خودشان استفاده کرده‌اند تقاضا می‌کنم دست خود را بلند کنند (۵ نفر از ۲۶ نفر این کار را کردند).

آقای شاریعی: حتماً دستان بلند شده بسیار کم است. دلیل این که امر بسیار ساده است. آقای عباسی اشاره‌ای کردند که ما بیش از کسان دیگر



نیاز به گشاده‌روی و کمک کتابداران داریم، نه فقط برای پیدا کردن بلکه برای خواندن. اما کتابداران خود را در این مورد مسئول نمی‌دانند و در نتیجه دانشجویان مراجعه نمی‌کنند و در بسیاری از موارد کتابی را بیرون می‌برند تا به دوستی نشان بدهند تا بدانند چیست و مشکل امانت ندادن کتابهای مرجع هم یک مشکل اساسی است. کتابداران باید توجه داشته باشند که ما بسیار حساس هستیم و برخی از برخوردها باعث تأسف است. من فکر می‌کنم که این حق ماست که به عنوان دانشجو عضو کتابخانه باشیم و این وظیفه کتابدار است که به هر عضو با توجه به نیاز آن عضو خدمت کند.

آقای صابری: در ادامه صحبت آقای شارعی، کتابخانه نباید تنها جای گرفتن کتاب باشد، کتابداران و مراجعان باید به هم علاقه‌مند باشند. بیایید در ساختن چنین فضایی همکاری کنیم. خانم جیلی: اجازه می‌خواهم مجدداً به بخش ویژه نایب‌ان و نیمه‌نایب‌ان کتابخانه مرکزی دانشگاه الزهرا اشاره کنم. دوران شکوفایی این بخش را باید بین ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ دانست. از کارهای بسیار مهم این بخش توجه به نیمه‌نایب‌ان بود، در آنجا کتابها را در ورق‌های "آ ۳" درشت می‌کردند و کارگاههای مشترک بسیار خوب با شرکت دانشجویان بینا، نیمه‌بینا، نایب‌ان و کتابداران تشکیل می‌شد. امیدوارم این تجربه به صورت مکتوب در اختیار جامعه کتابداران قرار گیرد و انگویی باشد برای سایر دانشگاهها. متأسفانه وضع نیمه‌نایب‌ان هیچ مورد توجه قرار نمی‌گیرد، در حالیکه با تهیه دستگاه "به دید" در کتابخانه‌ها مشکل بسیاری از این دانشجویان حل خواهد شد. پیشنهاد می‌کنم جلسه خاصی به بحث در مورد مشکلات دانشجویان نیمه‌بینا اختصاص یابد. خانم غفوری: وضع کتابخانه‌ها، مشکلات ما با کتابداران و نوع رشته‌های تحصیلی بسیار مشکل‌آفرین است. من تاریخ خوانده‌ام، ولی هر چه فکر می‌کنم امکان ندارد بتوانم در کارشناسی

ارشد تاریخ قبول شوم، زیرا منابع مطالعاتی آن بسیار وسیع و گسترده است و واقعاً بلاتکلیف مانده‌ام. یک نکته دیگر هم هست که باید به آن اشاره کنم و آن این که کتابهای زبان در دانشگاه باید به بریل گویا تهیه شود و در هر دانشکده در اختیار دانشجویان نابینا باشد.

آقای هاشان‌پور: به نظر می‌رسد که متخصصان ایرانی باید هر چه بیشتر در تولید وسایل الکترونیک گویایی فارسی کوشش کنند. از دانشگاه الزهرا صحبت شد، باید توجه داشت که دانشگاه اصفهان نیز بخش مخصوص نابینایان دارد که خوب است گزارشی از کیفیت کار آن مرکز ارائه شود.

آقای عباسی: از تعداد کم مراجعان نابینا به کتابخانه‌ها صحبت شد. از شما سؤال می‌کنم آیا جامعهٔ بینای ما واقعاً کتابخوان است؟ فکر می‌کنم اعم از بینا و نابینا، ما اصولاً چندان به کسب اطلاعات جدید و انجام کارهای جدی علاقه نداریم. مشکل دیگری که به نظرم می‌رسد هزینه است. کتابهای ما چه به صورت بریل و چه به صورت گویا بسیار گران تمام می‌شود. در مورد اخیر صرفاً نوار نیست بلکه قیمت ضبط و پول برق و اجرت خواننده نیز باید محاسبه شود.

۵. نوارهای گویا برای سطح دانشگاه در کجا تهیه می‌شود؟

آقای صابری: مؤسسه‌ای هست که توسط سرکار خانم دکتر خندق تأسیس شده به نام مؤسسه مطالعات نوارگذاری علمی و پژوهشی پویا که یک مؤسسه خصوصی است. این مؤسسه با تمام کوششی که می‌کند نمی‌تواند حتی بخش کوچکی از نیازهای ما را برآورده کند.

۶. آقای یثربی از مرکز خزانة: اجازه می‌خواهم به موضوع ایجاد عادت مطالعه اشاره کنم. کودک نابینا اگر از خردسالی کتاب در اختیار داشته باشد به مطالعه عادت خواهد کرد و در بزرگسالی با علاقه و پی‌گیری راه خود را در همه کتابخانه‌ها باز خواهد کرد. به نظر می‌رسد که باید

کار را با تولید کتابهای متنوع و مناسب به صورت بریل و گویا شروع کرد و کتابخانه‌های تقریباً غیرفعال کلیه مدارس و مراکز نابینایان را از این نظر تجهیز و با کمک شما کتابداران فعال ساخت.

۷. آقای شاکری از بخش فرهنگی بنیاد جانبازان: جانباز هستم نابینا با دو دست قطع شده. اعتقاد دارم که نابینایی مانع اصلی نیست بلکه این انگیزه‌های ماست که مهم است. نابینا باید خودش را بشناسد و قبول داشته باشد وگرنه در انزوا باقی می‌ماند. البته خیلی خوب است که نابینایی به درجات بالا برسد و برای همه الگو شود. شاید تعجب نکنید اگر بگویم که من داوری فیلم‌نامه‌ها را بر عهده داشته‌ام. توجه به دو عامل را به خصوص توصیه می‌کنم، یکی سخن گفتن به هر ترتیب که میسر باشد و دیگری نوشتن، به بیان دیگر تکلم و قلم زدن. برای خوب انجام دادن این دو کار باید خوانند، من در هفته حدود ۱۰۰۰ صفحه مطلب می‌خوانم و بیش از ۳۰۰۰ نوار دارم. متأسفانه باید بگویم که من نیز در مدت تحصیل از کتابخانه دانشکده استفاده نکردم. البته کار پژوهشی من میدانی بود و دوستان خوب در کنارم بودند. این دو مورد می‌تواند برای بیشتر شما نیز فراهم باشد. در مورد رشته تحصیلی مناسب صحبت شد، پیشنهاد می‌کنم رشته‌هایی را انتخاب کنید که با امکانات شما و بازار کار متناسب باشد. شاید لازم باشد که یکی از جلسات بعدی را به بررسی بازار کار اختصاص دهید.

خانم انصاری: جناب آقای شاکری از اینکه دعوت ما را قبول کردید و در جمع ما حاضر شدید بسیار سپاسگزارم. نظری دارم که در جمع دوستان با شما برادر گرمی در میان می‌گذارم و آن این که امکان استفاده از منابع موجود در کلیه نهادها باید برای همه نابینایان اعم از جانباز و غیرجانباز به صورت یکسان فراهم باشد و از جنابعالی استدعا دارم وضع موجود را از این نظر بررسی کنید.